

هنر توصیف در کوشنامه ایرانشاه بن ابی الخیر

محمدنور قائدزاده خمیری، مجید حاجی زاده^{*}، مریم غلامرضا بیگی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

آذر ۱۴۰۱، دوره ۱۵، شماره پیاپی ۷۹، صفحات ۴۷-۶۶

DOI: ۱۰.۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲.۱۵.۶۶.۶

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: وصف ابزاری است که خالق اثر برای برجسته‌سازی در کلام بکار میبرد. در ادبیات، وصف نوعی تمهید زبانی با رویکرد بلاغی از سوی گوینده برای تجسم و عینیت بخشیدن به نوعی تجربه و گاه مکاشفه گوینده از مواجهه با جهان پیرامون و جهان درون اوست. از ابتدای شعر فارسی تاکنون شاعران برجسته به شیوه‌های گوناگون و برای مقاصد مختلف و به میزان متفاوت در همه انواع ادبی (حماسی، غنایی، تعلیمی و نمایشی) از ابزار وصف استفاده کرده‌اند. در این پژوهش انواع وصف و شگردهای آن در منظومه «کوشنامه» از ایرانشاه بن ابی‌الخیر (قرن ششم) مورد بررسی قرار میگیرد.

روش مطالعه: این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی انجام شده است. شیوه گردآوری اطلاعات نیز کتابخانه‌ای است.

یافته‌ها: مهمترین توصیفات این منظومه در دو دسته کلی توصیفات حماسی و غنایی جای میگیرد. بیشترین امکان زبانی که ایرانشاه در توصیفات از آن بهره گرفته است، نخست «جناس» و سپس «ترکیبات اضافی و وصفی» است. در زمینه امکانات بیانی، تشبیه و سپس پربسامدترین آرایه در اثر اوست. فنون بلاغی در کوشنامه معمولاً دارای تازگی و نوآوری نیستند؛ ظاهراً بیشترین همت ایرانشاه صرف روایت روشن و واضح داستان بوده است. این امر البته از صلابت و شکوه توصیفات و زبان این اثر نکاسته است و میتوان آن را دارای ویژگیهای لازم یک اثر حماسی موفق دانست.

نتیجه‌گیری: ایرانشاه سعی کرده در تمامی توصیفات خود از عناصر و بنمایه‌های حماسی استفاده کند تا از رنگ‌وبوی حماسی اثرش کاسته نشود؛ حتی آنجا که به ستایش حضرت محمد (ص) میپردازد. در واقع میتوان گفت عنصر اصلی توصیفات کوشنامه، حماسی است. اشخاص، جانوران، اشیا، اماکن، طبیعت، و مفاهیم انتزاعی از مواردی هستند که در این منظومه مورد وصف قرار گرفته‌اند. بیشترین توصیفات مربوط به گروه نخست یعنی اشخاص و انسانها است؛ چراکه این منظومه حماسه‌ای انسانی است. همچنین توصیف طلوع و غروب خورشید پر تکرارترین توصیفات ایرانشاه در حوزه طبیعت در این اثر است.

تاریخ دریافت: ۲۶ شهریور ۱۴۰۰
تاریخ داوری: ۲۸ مهر ۱۴۰۰
تاریخ اصلاح: ۱۱ آبان ۱۴۰۰
تاریخ پذیرش: ۲۹ آذر ۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

وصف، توصیف، کوشنامه،
ایرانشاه بن ابی‌الخیر

* نویسنده مسئول:

m.hajizade@iauk.ac.ir

۳۳۲۱۰۰۴۳ (۹۸ ۳۴) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

The art of description in the Kushnameh of Iranshah ibn Abi al-Khair

M. Noor Ghaedzadeh Khamiri, M. Hajizadeh*, M. Gholamreza Beigi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: ۱۷ September ۲۰۲۱

Reviewed: ۲۰ October ۲۰۲۱

Revised: ۰۲ November ۲۰۲۱

Accepted: ۲۰ December ۲۰۲۱

KEYWORDS

Description, Description,
Kushnameh,
Iranshah Ibn Abi Al-Khair

*Corresponding Author

✉ m.hajizade@iauk.ac.ir

☎ (+۹۸ ۳۴) ۳۳۲۱۰۰۴۳

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Description is a tool that the creator of the work uses to highlight in words. In literature, the description is a kind of linguistic preparation with a rhetorical approach by the speaker to visualize and objectify a kind of experience and sometimes the speaker reveals his encounter with the world around him and the world inside him. From the beginning of Persian poetry until now, prominent poets have used description tools in different ways and for different purposes and to different extent in all types of literature (epic, lyrical, didactic and dramatic). In this research, the types of descriptions and its techniques in the epopee of "Kushannameh" by Iranshah ibn Abi Al-Khair (sixth century) are examined.

METHODOLOGY: This research was conducted in a descriptive-analytical manner. The method of collecting information is also library.

FINDINGS: The most important descriptions of this epopee fall into two general categories of epic and lyrical descriptions. Most of the language possibilities that Iranshah has used in his descriptions are first "puns" and then "additional and descriptive compounds". In terms of expressive possibilities, he compares the most frequent array. The metaphors, metaphors, allusions, and other rhetorical techniques in the pamphlet are usually not new or innovative. Apparently, Iranshah's greatest effort has been to narrate the story clearly. This, of course, has not diminished the strength and glory of the descriptions and language of this work, and it can be considered as having the necessary characteristics of a successful epic work.

CONCLUSION: Iranshah has tried to use epic elements and motifs in all his descriptions so as not to diminish the epic color of his work. In fact, it can be said that the main element of Kushnameh's descriptions is epic. People, animals, objects, places, nature, and abstract concepts are some of the things described in this system. Most descriptions are related to the first group, people and human beings; Because this is an epopee of human epics. Also, the description of sunrise and sunset is the most frequent description of Iranshah in the field of nature in this work.

DOI: [1۰,۲۲۰۳۴/bahareadab.۲۰۲۲,۱۵,۷۷.۷](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2022.15.77.7)

NUMBER OF REFERENCES



۶

NUMBER OF TABLES



۲

NUMBER OF FIGURES



۰

مقدمه

منظومه‌های پهلوانی پس از شاهنامهٔ فردوسی از این جهت اهمیت دارند که هر کدام، علاوه بر اهتمام بر فارسی‌گویی و فارسی‌نویسی، یکی از داستانهای ایران باستان را زنده نگاه داشته‌اند. کوش‌نامه نیز یکی از این منظومه‌هاست که خصوصیات حماسه‌های ملی را داراست. منظومهٔ کوش‌نامه در زمرهٔ حماسه‌های ملی، اساطیری و پهلوانی است که حکیم ایرانشاه‌بن ابی‌الخیر در قرن ششم ه.ق آن را بنظم درآورده است. این کتاب داستان کوش پیل‌گوش، برادرزادهٔ ضحاک، است که سالهای طولانی در چین، مغرب و آفریقا با قدرت و ستمگری فرمانروایی کرده و در این مدت همواره با جمشیدیان به دشمنی و نبرد می‌پردازد، اما سرانجام راه دادگری و یزدانپرستی پیشه می‌کند. این کتاب حاوی شرح ویژگیهای تعدادی از شخصیت‌های اساطیری نیز میباشد. عده‌ای داستان نبردهای کوش پیل‌دندان در مغرب را، بازماندهٔ خاطرهٔ پادشاهان کوش میدانند که در کوش‌نامه منعکس شده است. امپراتوری کوش از تأثیرگذارترین تمدنهایی بوده که در هزارهٔ قبل از میلاد در جنوب مصر باستان ایجاد شده است و «کوش» عنوانی بوده که به پادشاهان سرزمین نوبه اطلاق میشده است (بشیری، ۱۳۹۸: ۱۸۱).

یکی از ویژگیهای شاخص آثار حماسی مانند کوش‌نامه، توصیف است. توصیف یکی از اغراض شعر فارسی است و با توجه به گستردگی آن در انواع فنون سخن، مهمترین و پرارجترین فن بشمار میرود (مؤتمن، ۱۳۶۴: ۱۰۶). در اصطلاح ادب وصف، تعریف یک ویژگی برجسته از یک فرد یا شیء است (هوارد، ۱۳۸۴: ۱۰۵) و «برشمردن و مجسم کردن عالم خارج از محیط است بشکل زنده و گویا که در خواننده و شنونده همان احساس نویسنده و گوینده ایجاد میشود» (فرشیدورد، ۱۳۶۳: ۵۶۰). وصف بعنوان یکی از مهمترین انواع ادبی، در ادبیات ملتهای مختلف جایگاه بالایی دارد؛ بطوری که اکثر ادیبان، اصل شعر را وصف دانسته و سایر مضامین شعری را فرع بر آن میدانند. اهمیت وصف در یک اثر ادبی و بویژه در شعر تا حدی است که میتوان وصف را عمود و پایهٔ شعر دانست. بخش عظیمی از ادبیات فارسی ماهیتی «توصیفی» دارد. توصیف هنرمندانهٔ شاعر از «طبیعت»، «خود» و «جامعه» درونمایه‌های ارزشمندی است که ادبیات ما را عمق و غنا بخشیده است. شاعران بزرگی همچون رودکی، فرخی، منوچهری و عنصری از دورهٔ آغازین شعر فارسی، در توصیف زیباییهای طبیعت پیشتانز و آغازگر بودند. با توجه به این مطالب، هدف جستار پیش رو آن است که انواع و ابعاد گوناگون وصف را در کوش‌نامه مورد بررسی و کاوش قرار دهد. لازم به ذکر است منظور از «وصف» در این پژوهش، «گونه» نیست؛ چراکه در همهٔ انواع ادبی ردپایی از آن دیده میشود و با شعر توصیفی فارسی که «گونه» بحساب می‌آید، تفاوت دارد. بنابراین هدف در اوصاف موردنظر در این پژوهش، وصفهای عاشقانه، حماسی، مجالس بزم، وصف حال و احوال شاعر و شخصیتها و مانند آنهاست. در دوره‌های گوناگون شعر فارسی با دو گونه شعر مواجه هستیم. گونهٔ اول اشعاری که در قالبهای متفاوت سروده میشود و حضور وصف در آن در محور عمودی و افقی، در دوره‌های شعری مختلف، متفاوت است. در این دوره (تا پایان قرن پنجم هجری) وصف در خدمت بیان عظمت و زیبایی طبیعت است (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۱: ۳۱۷)، اما از این دوره تا عصر نیمایوشیج، وصف بیشتر در محور افقی است. گونهٔ دوم شعر، منظومه‌های داستانی است که در قالب مثنوی، با موضوعات حماسی، غنایی، عرفانی، یا تعلیمی سروده شده است و بواسطهٔ روایت‌محور و داستانی بودن، وصف در محور عمودی آنها بسیار مستحکم است.

تاریخ ادبیات فارسی نشان میدهد که با پررنگ شدن مرزهای انواع ادبی، اوصاف نیز بتدریج خود را با محتوای اثر تطبیق داده‌اند و در منظومه‌های گوناگون با توجه به موضوع و زمینهٔ متن، نوع اوصاف نیز تغییر کرده و تشخص مییابد. این تغییرات و تمایزات خود را در حوزهٔ واژگانی، بلاغی، زبانی، فکری و نحوی نشان میدهد. در این آثار

وصف برای شخصیت‌پردازی، صحنه‌سازی، و فضاسازی بکار می‌رود و در واقع وصف با روایت درآمیخته است. در این راستا و با توجه به اهمیت وصف در داستانهای منظوم حماسی، این پژوهش به مسئله توصیف در کوشنامه می‌پردازد.

سابقه پژوهش

تاکنون در مورد کوشنامه پژوهشهایی انجام شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود. مقاله «بررسی و معرفی برخی از قهرمانان اساطیری منظومه کوشنامه» از دشتیان (۱۳۸۹) به بررسی قهرمانان مشترک شاهنامه و کوشنامه و شباهتها و تفاوت‌های داستانی میان آنها می‌پردازد. کیخا و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «مفهوم‌شناسی از حماسه‌های پس از شاهنامه با تأکید بر کوشنامه و فرامرزنانه» به این نتیجه رسیده‌اند که مضمون از در هر دو منظومه جلوه‌گری دارد؛ اما در کوشنامه از آغاز تا فرجام، این مضمون حاکم است و در فرامرزنانه نسبت به کوشنامه، حضور کم‌رنگتری در جهان روایت دارد. رحمان‌زاده و دیگران (۱۳۹۸) در مقاله‌ای تحت عنوان «ساختار زبان حماسی در کوشنامه ایران‌شاه بن ابی‌الخیر» به این نتیجه رسیده‌اند که ابی‌الخیر، بعنوان یکی از مقلدان زبان حماسی معیار، در بکارگیری زبان حماسی در بسیاری از موارد موفق بوده و اثر وی، نمونه‌ای کامل از منظومه حماسه ملی بعد از شاهنامه است. همچنین «اسطوره‌زدایی در کوشنامه» عنوان مقاله‌ای است از بهزاد اتونی و بهروز اتونی (۱۳۹۹). نگارندگان این مقاله معتقدند که بیشتر منظومه‌های حماسی پارسی زیرساختی اساطیری دارد و در آنها ردپای آشکار شخصیتها و بنمایه‌های اساطیری را میتوان یافت. در بین این منظومه‌ها، کوشنامه یک استثناست؛ زیرا برخلاف دیگر حماسه‌های پارسی میکوشد از پیکره حماسه اسطوره‌زدایی کند. در این مقاله سه روش اسطوره‌زدایی از حماسه در منظومه کوشنامه معرفی شده است که عبارت است از: ۱) خردپذیر کردن روایتها و رخدادهای اساطیری؛ ۲) ذکر شخصیت‌های دینی و تاریخی در کنار شخصیت‌های اساطیری؛ ۳) نبود برخی بنمایه‌های اساطیری و پهلوانی رایج در حماسه‌های اسطوره‌ای. باوجود این پژوهشها، تاکنون پژوهش مستقلی که به موضوع وصف در کوشنامه پرداخته باشد، مشاهده نشد. نگارش این مقاله بمنظور رفع این خلأ پژوهشی صورت گرفته است.

بحث و بررسی

انواع وصف در کوشنامه

وصف در کوشنامه به دو دسته کلی تقسیم می‌شود و توصیفات حماسی و غنایی را دربر می‌گیرد. در ادامه به نمونه‌هایی از هر گروه اشاره می‌شود.

توصیفات حماسی: با توجه به نوع ادبی کوشنامه، یعنی حماسه، بدیهی است که غالب توصیفات در این منظومه شامل توصیفات حماسی باشد. ایران‌شاه در توصیف کوش پیل‌دندان و افراد و پهلوانهای دیگر، در جای جای این اثر سخن رانده است. او بیش از استعاره و تشبیه، اغراق و مبالغه را ابزار اصلی توصیفات خود قرار داده است. کوش که شخصیتی مانند زال در شاهنامه دارد؛ چراکه در کودکی بواسطه چهره و ظاهر نامتعارف خود از سوی پدر رها و طرد شده است، محور اصلی توصیفات حماسی در کوشنامه است. ابیات ذیل در توصیف اوست؛ هنگامی که در نبرد با سپاهیان دشمن، کلاخود را از سر خود می‌افکند و آنان را فراری می‌دهد و درواقع از زشت‌روی خود بهره می‌برد:

برآهخت گرز گران از کمر	ببنداخت از کینه مغفر ز سر
همی هر که دیدش بپرسید ازوی ...	به دشمن برهنه چو بنمود روی
که پیشش سوار و پیاده یکی است	همی گفت هر کس که جز دیو نیست
به پیلانش ماند دو دندان و گوش	سر خوک دارد تن دیو زوش
از آن پیل‌پیکر سر جان‌گسل	گریزان شد آن لشکر شیردل

(کوشنامه: ص ۲۱۴)

ایرانشاه در توصیف شخصی که باید از جانب فریدون بسوی سپاهان نوبی فرستاده میشد، میگوید:

اگر چاره خواهی که آید درست	ستمکاره مردی ببايد جست
به زهره دلیر و به تن زورمند	نهادش درست و نژادش بلند
یکی سهمگن مرد پرخاشخ	به چهره ز هر دیوچهری بتر
سپاهش ده و ساز و خفتان و جنگ	همان گرز و شمشیر زهرآبرنگ

(همان: ص ۵۳۷)

همانطور که مشاهده میشود اغراق در بخش بلاغی، و استفاده از ترکیبات در بخش زبانی، ابزار اصلی این توصیفات است. «پرخاشخ»، «دیوچهر»، «ستمکاره‌مرد»، «سهمگن‌مرد»، و «زهرآبرنگ» برخی از این ترکیبات است. توصیفات ذیل راجع به پسر آبتین است که به دست کوش کشته میشود. در این ابیات سه تشبیه (یک مجمل، و دو مرسل) بکار رفته است:

پسر داشت گردی چو سرو روان	دلیر و خردمند و روشن‌روان
به دیدار ماه و به دانش سروش	مر او را برادر همی خواند کوش
سواری یل و نام او خود سوار	سواری نبرده گه کارزار

(همان: ص ۲۴۱)

در ابیات ذیل، نبرد کوش و سپاهیانش با لشکر چینیان توصیف شده است. در این ابیات، سه تشبیه و یک استعاره در توصیف نبرد کوش بکار رفته است. بدیهی است اغراق همچنان عنصر اصلی این توصیفات است؛ در واقع این اغراق است که تصاویر تشبیهی و استعاری را خلق میکند و به آنها جان میبخشد:

چو شاه آبتین را چنان دید کوش	برآورد مانند تندر خروش
کمان داشت و ده چوبه تیر خدنگ	نبودش سلیحی جز این خود به چنگ
بدان ده ده بیفگند ده نامدار	ز چینی دلیران خنجرگزار...
تو گفתי یکی پیل سرمست بود	همه دشت پای و سر و دست بود
هوا گشته بیجان ز پیکان او	زمین گشته مرجان ز میدان او
هر آن کس که او را ز ناگه بدید	دلش همچو دیوانه درهم رمید

(همان: صص ۲۰۵ و ۲۰۶)

در ابیات ذیل نوجوانی کوش بتصویر درآمده است. او که در آغاز سرگذشت خود داستانی شبیه زال و در ادامه شبیه سهراب (بواسطهٔ نبرد ناخواسته با پدرش) دارد، در این ابیات با چاشنی اغراق و تشبیه توصیف شده است. نکتهٔ جالب توجه این است که «درخت» جزو مشبیه‌هایی است که بسامد آن در کوشنامه قابل توجه است. درخت همواره از عناصر مضمون‌ساز در شعر و ادب فارسی بوده است. ایرانشاه در توصیف قامت، دندان، گردن، دانش و

مانند آن از این مشبه‌به استفاده کرده است و به اموری چون بلندی، تنومندی و استحکام، و پرباری نظر داشته است.

چو شد پانزده ساله گشت ارجمند	برآمد بسان درختی بلند
چنان شد به مردی همی در سپاه	نشد پیش او کس به آوردگاه
ز تیرش نشد مرغ پرآن رها	ز تیغش نیامد رها اژدها

(همان: ص ۲۰۴)

موارد دیگر:

دو دست و دو پایش چو سیمین‌ستون	دو دندان درخت و دو دیده چو خون
(همان: ص ۴۵۲)	
چو شاخ درختان یکی یال اوی	چو پیل ژبان گردن و بال اوی
(همان: ص ۶۵۶)	
درختیست دانش به پروین سرش	همه راستکاریست باروبرش
(همان: ص ۱۴۷)	

در جایی دیگر در نبرد تن‌به‌تن نیواسب و کوش پیل‌دندان چنین میگوید و انسانی را به حیوان تشبیه میکند. در این منظومه شیر، ببر، پیل، نهنگ، گرگ و سگ از پربسامدترین جانورانی هستند که مشبه‌به برای انسان قرار گرفته‌اند. وجه‌شبه در این موارد عموماً شجاعت، جنگاوری، درنده‌خویی، تنومندی، و زشت‌رویی است.

چو شیر دژآگاه و چون پیل مست	به یک زخم گردی همی کرد پست
چو نیواسب آن دید از دست کوش	خروشید مانده شیر زوش

(همان: ص ۲۱۳)

گهی چون پلنگان به که در دوان	گهی چون نهنگان به دریا روان
------------------------------	-----------------------------

(همان: ص ۲۰۱)

توصیفات غنایی و بزمی: بخشی دیگر از توصیفات کوشنامه، مربوط به مجالس بزم، زیبایی معشوق (غلام / کنیزک)، و هدایای تقدیمی به بزرگان دربار است. نکته جالب توجه این است که ایران‌شاه حتی در توصیفات غنایی خود، از عناصر حماسی بهره گرفته است. ابیات ذیل در توصیف بزمی است که طیه‌ور شاه برای آبتین تدارک دیده است که در آن جز یک تشبیه، صنعت بیانی دیگری دیده نمی‌شود اما همچنان استفاده از ترکیبات باصلا‌بت و باشکوه، به توصیفات عظمت و عمق بخشیده است:

پرستنده بزمی بیاراست باز	نهادند از آن بزم هر گونه ساز
همه سازها گوهرآمیغ زر	چو طلاووس چین باز گسترده پر
همه بزمگه بود زرین‌شکار	ز گوهر نگاریده بر وی نثار

(کوشنامه: ص ۲۷۴)

شاعر در ادامه در توصیف هدایای آبتین به طیه‌ور شاه چنین سروده است:

ز بیجاده تخت و ز پیروزه تخت	فرستاد نزد شه نیکبخت
هم از تخت رومی هم از پارسی	ز هر جامه صد بار و ده بار سی
ده استر بر ایشان ده از مهد زر	نشاند در او هر یکی صد گوهر

ز زیور همه مه‌د کرده پُر دو صندوق پر لعل و یاقوت و دُر
(همان: ص ۳۴۸)

آبتین که شیفتهٔ فرارنگ، دختر زیبا و سوگلی طیه‌ور شاه، شده است، این هدایا را نزد او می‌فرستد. ایرانشاه این دختر را چنین توصیف کرده است:

به کنجی نشسته فرارنگ تنگ چو سروی که بارش بود شهد و قند
ز عبهر فگنده هزاران هزار به تن بر یکی جامه‌ای بس فرخ‌ش
یکی جامه بر تن فگنده ستبر گرفته ز رخسار او خانه رنگ
چو کشتی که ملاح دارد به بند فزون حلقه در گوش و در گوشوار
ولیکن ز رخسار او خانه رخس چو خورشید در میغ و ماه اندر ابر
(همان: ص ۳۴۶)

در این توصیفات، یک استعارهٔ مکنیه (رخسار خانه) و یک کنایه (رنگ گرفتن رخسار) در بیت اول، دو تشبیه مشروط (در بیت دوم)، دو تشبیه مرکب (در بیت پنجم) و یک تشبیه تسویه (در بیت پنجم که یک مشبه و دو مشبه‌به دارد) مشاهده می‌شود. یکی از تفاوت‌های توصیفات حماسی و غنایی در کوش‌نامه این است که در توصیفات غنایی، تشبیهات و استعارات بیشتری وجود دارد.

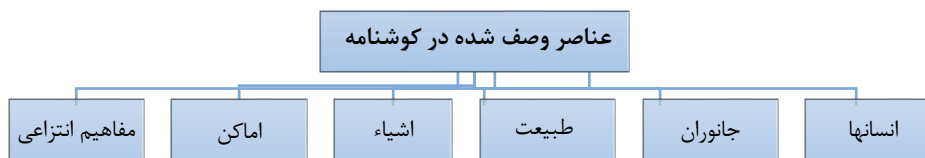
از ایشان یکی دختری یافت کوش به غمزه همی جادوی بابل
به بالا چو سروی و ماه از برش به خوشی چو جان و به پاکی چو هوش
به رخساره همچون گل زابلی خجل گشته کافور و بان از برش
(همان: ص ۲۰۳)

انواع وصف در کوش‌نامه

ردیف	انواع وصف	موارد توصیف شده
۱	حماسی	آرایش سپاه، جنگاوری پهلوانان و قهرمانان، قربانیان جنگها، ابزارآلات جنگی، میدان نبرد، ویژگیهای ظاهری و باطنی پهلوانان
۲	غنایی	زنان و زیبایی آنان، عشق، مجالس بزم، هدایا، کنیزان و غلامان

عناصر وصف‌شده در کوش‌نامه

ایرانشاه در کوش‌نامه عناصر گوناگونی را توصیف میکند: انسانها، جانوران، طبیعت، اشیاء، اماکن، و مفاهیم انتزاعی. در ادامه به نمونه‌هایی از هریک از این موارد اشاره می‌شود.



وصف انسانها (اشخاص): انسانها بزرگترین و مهمترین گروه مورد‌وصف در کوش‌نامه هستند؛ چراکه این اثر حماسه‌ای انسانی است. ایرانشاه در ابتدای اثر خود به توصیف حضرت محمد (ص) پرداخته است و درواقع نخستین

شخصی که در این منظومه وصف شده، پیامبر اسلام است. همچنین حضرت محمد تنها کسی است که با صیغهٔ دینی در این اثر مورد وصف قرار گرفته است.

عنانکش بود پیش او جبرئیل	ببیند بهشت و می سلسبیل
بخندد به روی اندرش گرگ و شیر	بغلند به خاک ازدهای دلیر
به شمشیر دین آشکاره کند	فرشته به رویش نظاره کند

(همان: ص ۱۵۰)

همانطور که مشاهده میشود ایرانشاه حتی در توصیف ستایش‌آمیز پیامبر (ص) از عناصر حماسی بهره برده است و اینگونه نشان میدهد که هوشمندانه سایهٔ نوع ادبی حماسه بر تمامی عناصر و ابعاد اثرش سنگینی میکند. دومین شخصی که در کوشنامه، مورد وصف ستایش‌آمیز (مدح) قرار گرفته، شاه زمانه یعنی غیاث‌الدین ابوشجاع محمدبن ملک‌شاه سلجوقی (۴۹۸-۵۱۱) است. این توصیفات که سرشار از تشبیه است، با تشبیه غیاث‌الدین به شاهان و پهلوانان اساطیری و حماسی همراه است. ایرانشاه که این پادشاه را «پادشاه اسلام» نامیده است، برای مشروعیت بخشیدن به وی، نسل، نژاد، ظاهر و اخلاق او را به شخصیتهای حماسی ایران‌زمین تشبیه میکند.

به نام شهنشاه گیتی‌گشای	فریدون به دانش سکندر به رای
گیومرث نام منوچهر چهر	سیاوخش‌دیدار هوش‌نگ‌مهر
فرامرزگردن، فریبرز‌زیال	تهمت‌ن‌دل زال‌تن سام‌بال
چو موبد به دین و چو کسری به داد	تخم پش‌نگ و به خوی قباد
به نیرو چو پیل و به زهره چو ببر	به کوشش چو دریا به بهره چو ابر

(همان: ص ۱۵۳)

در جایی دیگر شاعر در توصیف فریدون، فرزند آبتین و فرارنگ، با استفاده از یک تشبیه رایج سخن گفته است: سوی کودک آمد سرافراز شاه / همی کرد شادان به رویش نگاه / رخانش چو تابنده خورشید دید / به چهر اندرش فرّ جمشید دید (همان: ص ۳۷۱)

بی آهو یکی بچه آمد ز ماه	چه ماهی که روشن کند تاج و گاه
ز رویش سراپرده شد لاله‌رنگ	ز فرّش فروزان شده کوه و سنگ
به بالا ز یکساله کودک فزون	به رخساره چون برف و بر برف خون

(همان: ص ۳۷۰)

در ابیات فوق نیز یک استعارهٔ مصرحه (ماه از فرارنگ)، یک تشبیه مشروط (در بیت اول)، دو تشبیه مضمّر (در بیت دوم)، یک تشبیه مجمل (در بیت سوم) و یک مجاز (در بیت سوم: خون از سرخی گونه‌ها) بکار رفته است. غالب توصیفات در کوشنامه از نوع مثبت و ستایش‌آمیز است. ابیات زیر جزو موارد معدودی است که از تصاویر منفی برای توصیف استفاده شده است. این ابیات در توصیف مردمی است که اسکندر در ساحل دریایی در خاورزمین با آنها مواجه میشود. او در تشبیهی از نوع محسوس به معقول (در بیت دوم) رنگ سیاه چهرهٔ این مردم را به دل شخص کینه‌ور و انتقام‌جو مانند کرده است. در بیت سوم نیز با مشبه‌بھی زننده (سگ) و برقراری جناس میان آن با «سنگ» و «تگ»، زشتی و کراهت را بخوبی منتقل کرده است:

لب ژرف دریا و مردم گروه که گردد ز دیدارشان دل ستوه
برهنه سراپای و چرمی سیاه بسان دل مردم کینه‌خواه
دهنشان و دندانشان همچو سگ ز سنگ برگذشتند هنگام تگ
(همان: ص ۱۷۹)

شواهد ذیل توصیفات غنایی در وصف غلام یا دخترانی است که زیبایی، محور ویژگیهای آنهاست. بیت نخست در توصیف غلامی آمده که فاروق به کوش پیشکش کرده است. این توصیفات با تشبیه مفروق شکل گرفته که در مصراع دوم بسمت تشبیه تفضیل رفته است:

به رخساره ماه و به دندان چو قند به غمزه همه جادوی را گزند
(همان: ص ۶۰۶)

در این بیت دختر «نوشان» که کوش با زناشویی با او میپردازد و پسری زشت‌رو اما محبوب به نام «کنعان» از او متولد میشود، چنین توصیف شده است:

یکی دختر او نگارین به نام به چهره چو ماه و به بالا تمام
همه رشک خورشید دیدار اوی خرد درخور خوب رخسار اوی
(همان: ص ۴۰۵)

ایرانشاه تأکید کرده است که زشت‌رویی کنعان به شباهت او به پدرش (کوش) برمیگردد:
به دندان و گوش او پدر را بماند ولیکن کس او را به مردم نخواند
(همان: ص ۴۰۶)

ابیات ذیل در توصیف زنانی است که در دیاری به نام «مرز خوبان» زندگی میکنند. فردی این زنان را چنین توصیف کرده و دل کوش را میبرد و موجب لشکرکشی او به این خطه میشود:

چنان چون به مرز خلاق زنان	چنان ماهرویان و سیمین‌بران
چو سروند اگر ماه تابد ز سرو	سرینها چو گور و میانها چو غرو
گل‌اندام همچون گل اندر بهار	سپیدی چو برف و سیاهی چو قار
همه ریدکان دلبر و خوش‌زبان	چو خورشید روی و چو مرجان لبان
ز دیدارشان دل نماند به جای	بپوشد همی زلفشان زیر پای
همه <u>غالیه‌زلف</u> و <u>خورشید‌خند</u>	همه <u>یاسمن‌بر</u> همه <u>سروقد</u>

(همان: ص ۵۹۹)

چنانکه مشاهده میشود این توصیفات سرشار از شگردهای بلاغی است که به آنها به تفکیک اشاره میشود:

بیت اول: دو ترکیب تشبیهی

بیت دوم: یک تشبیه مشروط و تشبیه مفروق

بیت سوم: تشبیه مفروق

بیت چهارم: تشبیه مفروق

بیت پنجم: دو کنایه

بیت ششم: چهار ترکیب تشبیهی

ابیات ذیل در توصیف مرد فرزانه و زاهدی به نام «مهانش» آمده است که اسکندر به دیدار و مصاحبت با وی علاقه‌مند شده و راهی محل سکونت او در قلعه کوهی میشود:

هشومند پیری مهانش به نام	همانا بیابد از او شاه کام
یکی خانه کرده‌ست بر تیغ کوه	گزیده جدایی و دور از گروه
ز گنجی فزون آیدش خواسته	همه کار او خوب و آراسته
همه بودندنیها بگوید درست	به دانش بر او کس فزونی نجست

(همان: ص ۱۸۲)

این توصیفات از آنجاکه به توصیف شخص وارسته، و نه پهلوان یا معشوقه، مربوط است، ذکر شد. در این ابیات هیچ آرایه ادبی‌ای بکار نرفته است.

وصف جانوران: جانوران گروه دیگری هستند که در منظومه کوشنامه مورد توصیف واقع شده‌اند. این توصیفات درمورد حیوانات شکاری، حیوانات جنگی، و جانوران خوفناک و ناشناخته بکار رفته است. ابیات ذیل در وصف جانور ناشناخته و هول‌انگیزی است که کوش در سرزمین اندلس میبیند:

یکی جانور دید نیز اندر آب	دو دیده فروزنده چون آفتاب
تنومند چون گربه تیزچنگ	همه سوی بر پشت، خورشیدرنگ

(همان: ص ۵۹۵)

او در ادامه میگوید که از موی این جانور، پارچه‌ای بافته میشود که در آب خیس نمیگردد و از هر سو به رنگی دیده میشود.

ایران‌شاه در ابیات زیر نیز از اسبان آبی‌نژادی سخن میگوید که «کارم دادگر» به فریدون پیشکش کرده است. در این ابیات ۱۹ تشبیه (از نوع مجمل، مفروق، تسویه، و تفضیل) بکار رفته است که به نوعی با تراکم تصاویر تشبیهی مواجهیم:

ز دریا گرفته یکی اسب نر	چو سیل روان و چو مرغ بپر
به هیکل چو کوه و قوایم چو سنگ	چو گوران به موی و چو دیوان به رنگ
تنش چون شبه رخ چو سیم حلال	چو جعد بتان موی و دنبال و یال
به گشتن چو چرخ و به جستن چو تیر	کزو خیره شد مردم تیزویر
به رفتن چو باد و دویدن چو ببر	به جولان چو آتش به شبهه چو ابر
تکاور چو عنقا دلاور چو شیر	به میدان دوان و به جولان دلیر
روانتر به دریا چو آبی نهنگ	دوانتر به کوه او ز کوهی پلنگ

(همان: ص ۴۴۸)

این ابیات در توصیف شکاری بیان شده است که کوش آن را در بیشه گم میکند. ایران‌شاه هر عضو این شکار را به حیوانی درنده و وحشی تشبیه کرده است:

شکاری بکردار گوری بزرگ	به پیش اندر آمدش پویان چو گرگ
سرش چون سر شیر پولادچنگ	ز سر تا به پایان تنش رنگ‌رنگ
چو مرجان شد آن آهوی تیزتگ	دم یوز و شاهین و پوینده سگ

(همان: ص ۶۶۳)

ابیات ذیل در وصف پیلی آمده است که کارم به کوش تقدیم کرده است. در این ابیات نیز با تراجم و تراکم تصاویر تشبیهی (۱۲ مورد) مواجهیم. تشبیهات از نوع مجمل، مفصل، مفروق، و تفضیل هستند.

یکی زنده پیلی به‌مانند شیر	به حمله چو آتش به رفتن چو شیر
گرانتر ز کوه و سبکتر ز باد	ز هیبت سرشت و ز قوت نهاد
دو دست و دو پایش چو سیمین‌ستون	دو دندان درخت و دو دیده چو خون
زمین کرده رنجور زیر قدم	هوا کرده چون دوزخ از دود و نم
ز سنگش شده گاوماهی ستوه	ز رنگش خجل برف بر تیغ کوه

(همان: ص ۴۵۲)

وصف طبیعت: طبیعت و عناصر آن یکی دیگر از مواردی هستند که در این منظومه به توصیف درآمده‌اند. کوه، غار، باغ، بهار، غروب و طلوع خورشید از پربسامدترین این عناصر هستند. باید گفت توصیف طلوع و غروب خورشید پرتکرارترین توصیفات ایرانشاه در حوزهٔ طبیعت در این اثر است. به ابیات زیر بعنوان نمونه توجه کنید که دربارهٔ طلوع خورشید و فرارسیدن روز است:

چو روز آمد و کوه در زر گرفت	زمین چادر زرد دربر گرفت
-----------------------------	-------------------------

(همان: ص ۲۱۲)

ستاره چو گشت از هوا ناپدید	سپیده ز سیماب لشکر کشید
----------------------------	-------------------------

(همان: ص ۲۵۴)

چو در پرده پنهان شدند اختران	ز خاور برافروخت شمع‌ی گران
------------------------------	----------------------------

(همان: ص ۵۵۹)

ابیات زیر در توصیف کوهی است که اصحاب کهف به آن پناه برده بودند:

یکی کوه بینی رسیده به ابر	همه جای شیر و پلنگان و ببر
به نزدیک طرسوس رسته چنان	چو دیوار پیوسته با آسمان
چو سرداب جایی بیابان و کوه	که از دیدنش دیو گردد ستوه
یکی غار تاریک نادلغروز	کجا شب همانش، همان است روز

(همان: ص ۱۷۲)

ابیات زیر در توصیف بهار و زیباییهای طبیعت در آن بیان شده است:

چو روز آمد از ماه اردیبهشت	جهان شد ز لاله بسان بهشت
----------------------------	--------------------------

(همان: ص ۳۴۹)

ز دنبال طاووس برروی باغ	چنان چون فروزان هزاران چراغ
زده گونه‌گونه چنان سرخ گل	چو بر دست معشوق پیغام مل

(همان: ص ۳۰۱)

وصف اشیا: گروه دیگری که در کوش‌نامه مورد توصیف قرار گرفته‌اند، اشیا هستند. جواهرات، ابزارآلات پادشاهی مانند تاج و تخت، لباس، ابزارآلات جنگی، کشتی و مانند آنها از این گروه هستند. نمونهٔ اول در وصف تختی آمده است که «سلکت» برای فریدون میسازد:

یکی تخت پرمایه زرنگار سراسر بدان گوهر شاهوار
(همان: ص ۳۹۷)

این ابیات نیز در وصف هدایایی است که کارم دادگر (پسر طیهور شاه) به نزد فریدون میفرستد. چنانچه مشاهده میشود انواع و اقسام اجسام و اشیا در این ابیات مورد وصف قرار گرفته‌اند. نکته جالب توجه این است که کمترین تمهیدات بلاغی در شرح این هدایا و اشیا بکار گرفته شده است؛ گویی شاعر در پی وصف ساده، روشن و واضح این هدایا بوده و معتقد است شکوه و تجمل در آنها بقدری است که نیازی به ذکر تشبیه و استعاره برای تأثیرگذاری بیشتر نیست:

بی‌آورد سالار فرخنده‌بخت	ز گنج پدر شایگانی سه تخت
یکی تخت پیروزه بود آن که کوش	فرستاد نزدیک طیهور زوش
زبرجد یکی تخت دیگر گزید	که اندر جهان آنچنان کس ندید
یکی دیگر از زر خورشیدرنگ	که هرگز چنان کس نیارد به چنگ
به یاقوت و پیروزه آراسته	به لعل و به مرجان بپیوسته
نهاده بر آن تختها هر سه تاج	بیاورده ده تخت دیگر ز عاج
هم از تخته دیبای چینی هزار	هزار دگر تیغ زهر آبدار
بی‌آورد از آن پس هزاران زره	بدو هیچ پیدا نه بند و گره...
پس آن نافه مشک تبت هزار	هزار دگر نیزه جانگذار
ز یاقوت صدپاره همچون کناغ	که در شب همی تافتی چون چراغ

(همان: ص ۴۴۶ و ۴۴۷)

این بیت در توصیف جامه کوش پس از رهایی از بند آمده است:

یکی جامه پوشیدش از نقش چین	به خوشی چو گاه بهاران زمین
----------------------------	----------------------------

(همان: ص ۵۳۸)

ابیات ذیل هریک در توصیف شیئی آمده است:

کشتی

وزان پس بیاراست کشتی چهار	به بالا یکایک بسان حصار
---------------------------	-------------------------

(همان: ص ۳۶۲)

گرز

یکی گرز گاوپیکر به دست	نوندش همی کرد کوه را پست
------------------------	--------------------------

(همان: ص ۶۳۴)

شمع

تو گفתי سهیل سمن سوی چین	فرود آمد و کرد روشن زمین
--------------------------	--------------------------

(همان: ص ۲۴۰)

یاقوت

ز یاقوت صدپاره همچون کناغ که در شب همی تافتی چون چراغ
(همان: ص ۴۴۷)

وصف اماکن: اماکن و جایها دسته دیگری از توصیفات کوش‌نامه را به خود اختصاص داده‌اند. ابیات زیر در توصیف خانه‌ای است که طیه‌ور شاه دختران خود را در آنجا سکونت داده بوده است. سه تشبیه زیبا در این ابیات بکار گرفته شده است که موفق‌ترین آنها در بیت دوم آمده است. شاعر در تشبیهی مضمر و تفضیل، دختران طیه‌ور شاه را از لحاظ زیبایی به بتانی تشبیه کرده است که از بتهای تراشیده‌شده به دست آزر هم زیباترند.

خرامان در آن خانه رفت آبتین یکی کاخ دید او چو نوشاد چین
تو گفتی مگر خانه بتگریست که آزر مر او را یکی چاکریست
وگرنه سپهرست با داوری قران کرده خورشید با مشتری
(همان: ص ۳۴۵)

ابیات زیر متعلق به وصف باره‌ای در شهر «بسیلا» است که کوش بدانجا حمله میبرد؛ عنصر اصلی این توصیفات اغراق و مبالغه است. در واقع عظمت این باره، قدرت کوش را در تسخیر آن بنمایش میگذارد:

به گردون رسیده یکی باره بود تو گفتی که سنگی به یک پاره بود
سر برجش ایمن ز زخم کمند ز پرواز تیرش سرف بی‌گزند
سوی کنگره‌اش نارسیده عقاب سر باره‌اش نابسوده سحاب
یکی ژرف دریا به گردش روان که خیره شد از دیدن وی روان
به دیوار بر مردم انبوه بود فزونتر ز یاجوج بر کوه بود
چنان بود دیوارش از ساز جنگ چو باغ بهاران همه رنگ‌رنگ
(همان: ص ۴۳۲)

این ابیات نیز در توصیف شهری آمده است که کوش در کوه طارق بنا میکند:

برآورد شهری نه پهن و نه تنگ همه باره شهر ارزیز و سنگ
به ایوان و طارم بیاراستش به باغ و به گلشن بیپراستش
برآورد سی گنبد ز رنگار همان بیست ایوان گوهرنگار
برابر دو ایوان ز رخشان بلور ز گوهر نگارش همه شیر و گور
ز صندل همه تخته‌ها درخورش به گوهر بیاراسته پیکرش
همه فرش دیبای زربفت چین که کس را نبود از بزرگان چنین
(همان: ص ۵۷۱)

این ابیات در توصیف سرای ضحاک (عموی کوش) آمده که کوش در آن مهمان میشود:

سراییی برآراسته چون بهار همه زر بر لاژوردش نگار
همه فرشها سبز و دریای چین همه باغ او پر گل و یاسمین
گلش پر ز بلبل چمن پر ز سرو خروشان ز سرو نوآیین تذرو
(همان: ص ۳۰۱)

ابیات ذیل در توصیف سرزمین اندلس بیان شده است. نکتهٔ جالب توجه این است که زیبایی طبیعت در کنار زیبایی مردم این سرزمین ذکر شده و در واقع جزئی از آن دانسته شده است:

به یک دست بر روم و دریا دگر	همه شهرها خوب و با کام کر
هوای خوش و آبها چون گلاب	خنکتر همان تابش آفتاب
به چهره زن و مرد چون گل به بار	پر از نرگس و نسترن جویبار
همه باغ و راغش پر از نار و سیب	زنان دلبر و کودکان دلفریب

(همان: ص ۵۷۰)

وصف مفاهیم انتزاعی: ایرانشاه حتی در توصیف مفاهیم انتزاعی هنرمندانه عمل میکند. مفاهیم انتزاعی از مضامین کم‌کاربرد کوشنامه است، باوجوداین شاعر از این مفاهیم در ساخت، تشبیه، استعاره مجاز و کنایه استفاده کرده است. در ابیات زیر پهلوانی به نام «ارندو» یا همان دیو سپید بتصویر کشیده شده است:

تنی چون هیون داشت و چرمی سپید	ز نیروی او بوده بیم و امید ...
به نیروی او اندر آن مرز، مرد	ندیدند هنگام ننگ و نبرد
چو شاخ درختان یکی یال اوی	چو پیل ژبان گردن و یال اوی

(همان: ص ۶۵۶)

هنگامی که کوش پیل دندان شخصاً به جنگ میرود و اسیر میشود، شاعر از زبان خود، به نقل مضامین عبرت‌آمیز در وصف «روزگار» سخن میگوید:

چنین است فرجام کار جهان	چو نوش آشکارا شرنگ از نهان
یکی را برآرد به چرخ از مغاک	هم بازگرداندش زیر خاک
از او گرچه برداشتی بهر خویش	به تو برگمارد همان زهر خویش
اگر دل به کامت بیاراید اوی	چنان دان که روزیت بگزاید اوی
تو گر هوشیاری در او دل میند	که راهش تباه است کارش گزند

(همان: ص ۵۲۷)

در ابتدای این منظومه، به توصیف «دانش» و «خرد» پرداخته شده است:

درختیست دانش به پروین سرش	همه راستکاریست باروبرش
که سرمایه‌ی مرد دانش بود	دل دانشی پر ز رامش بود
ز دانش گریزان بود اهرمن	ز دانش فروزان بود انجمن

(همان: ص ۱۴۷)

خرد جوشن آمد تن مرد را	خرد داروی آمد همه درد را
خرد دور دارد ز تو کار دیو	خرد بشکند تیزبازار دیو

(همان: ص ۱۴۸)

در ابیات فوق خرد درمقابل «دیو» قرار داده شده است. این تقابل یکی از تصاویری است که در آثار عرفانی نیز پرتکرار است و عقل را بواسطه نقش راهبری و هدایتگری خود درمقابل دیو، که نماد و سمبل گمراهی است، قرار داده‌اند.

شگرد ایرانشاه در توصیفات کوشنامه

ایرانشاه در توصیفات خود از عناصر زبانی، لغوی و ادبی مختلفی بهره میگیرد که در ذیل به آنها اشاره میشود.

امکانات زبانی

تنسیق الصفات: یکی از امکانات زبانی‌ای که شاعر در توصیفات خویش از آن بدفعات بهره برده است، تنسیق الصفات است که به نمونه‌هایی از آن اشاره میشود. آبتین فرستادهٔ خویش را نزد سلکت میفرستد که اگر ویژگیهای موردنظر او در سلکت وجود دارد، فریدون را به او بسپارد. ویژگیهای موردنظر آبتین با استفاده از تنسیق الصفات بیان شده‌اند:

اگر مهربان است و یزدان‌پرست خردمند و آهسته و داددست
(همان: ص ۳۷۵)

او در توصیف دزدی که در غارها زندگی میکرد، میگوید:

بدان غارها در یکی دزد بود که خونریز و ناپاک بیمزد بود
سبک‌پای و ناپاک و جوینده نام ورا تازیان نمر کردند نام
(همان: ص ۴۹۷)

در توصیف سنجه:

جوانی پسندیده و رهنمای به نیرو و نیرنگ و فرهنگ و رای
(همان: ص ۶۵۶)

در توصیف دختر کوش:

گل‌اندام و گلشکر و مشکبوی سمن‌پیکر و سرکش و تندخوی
(همان: ص ۶۵۵)

واج‌آرایی: این شگرد زبانی از پربسامدترین تمهیدات شاعر در توصیفات خود است. در دو بیت نخست واج‌آرایی با حرف «د» صورت گرفته است. در بیت سوم نیز با حرف «گ»:

که او دیوزاد است و دژخیم و تند به فرهنگ باشد دل دیو کند
(همان: ص ۲۰۴)

دد و دام و ماهی و مرغ از نهاد بپرورد مر بچه را چون بزاد
(همان: ص ۲۲۹)

چو گرگان گهی گرسنه گاه سیر چو مرغان گهی بر هوا گاه زیر
(همان: ص ۲۳۱)

جناس: انواع جناس در خدمت توصیفات کوش‌نامه قرار گرفته است که به نمونه‌هایی از آنها اشاره میشود. در بیت نخست جناس مذیل (زر / زرد)، و جناس مضارع (زر / در / سر) وجود دارد.

چو روز آمد و کوه در زر گرفت زمین چادر زرد در سر گرفت
(همان: ص ۲۱۲)

در بیت زیر جناس مضارع (زار / خوار) و جناس تام (خوار در معنای ذلیل و خوار در معنای صفت فاعلی مرخم) وجود دارد.

جز آن نیست کافگندمش زار و خوار در آن بیشه در پیش مردارخوار
(همان: ص ۲۲۸)

در بیت زیر نیز جناس تام (سرای در معنای خانه و سُرای در معنای صفت فاعلی مرخم) وجود دارد.

به پیش اندورن ریدکان سرای ز پس رود و رامشگر خوش سرای
(همان: ص ۲۳۵)

جناس مضارع:

ز گفتار او گشت به‌مرد شاد فرود آمد از اسب مانند باد
(همان: ص ۲۳۳)

در بیت زیر نیز جناس تام (کوش در معنای شخصیت پهلوان این اثر و کوش در معنای فعل امر) وجود دارد.

تو نیز ای سرافراز فرزند کوش به دل جستن شاه لختی بکوش
(همان: ص ۲۳۷)

در بیت زیر نیز جناس تام مرکب وجود دارد.

نباشم بدین کار همدستان تو را بازگویم همه داستان
(همان: ص ۲۳۸)

انواع ترکیبات: ایرانشاه به کاربرد انواع ترکیبات اضافی و وصفی برای توصیف عناصر موردنظر خود علاقه‌مند است؛ تا جایی که بسامد این ترکیبات در توصیفات کوش‌نامه بسیار بیشتر از صنایع بلاغی است. به برخی از آنها اشاره میشود:

مایه‌ور (بیت ۹۱۰۲)، آبدار (بیت ۱۰۰۹۰)، آزادمرد (بیت ۸۷۷۳)، آزاده‌خوی (بیت ۳۶۹)، اشک‌ریزان (بیت ۶۷۴۶)، بادپای (بیت ۱۶۸۰)، باریک‌رای (بیت ۴۳۶۲)، بدکیش (بیت ۶۸۳۵)، بدنژاد (بیت ۱۲۷۸)، پاکیزه‌تن (بیت ۶۳۶)، پراندوه (بیت ۴۲۶۹)، پرگناه (بیت ۵۷۴۲)، تازه‌روی (بیت ۹۲۷۵)، تیره‌چهر (بیت ۸۱۰۱)، تیزبازار (بیت ۶۰)، جوشن‌گذار (بیت ۷۱۱۶)، خاک‌پوش (بیت ۲۴۵۷)، خسته‌دل (بیت ۴۶۵۸)، خیره‌هوش (بیت ۶۷۳۷)، خیمه‌کنان (بیت ۵۹۴۵)، درویش‌دل (بیت ۴۵۰۹)، دست‌آزمای (بیت ۲۸۷۹)، رزمساز (بیت ۸۲۵۸)، سام‌بال (بیت ۱۴۱)، شادبخت (بیت ۵۰۴۹)، فرخنده‌بخت (بیت ۱۱۰۰)، کینه‌ساز (بیت ۱۳۶۵)، ناپاک‌هوش (بیت ۷۷۸۱)، ناسخته‌کوش (بیت ۴۵۱۹) و نگاریده‌چهر (۳۳۹۶).

امکانات بلاغی دیگر: بیشترین صنایع بلاغی معنوی در توصیفات کوش‌نامه بترتیب تشبیه، کنایه، استعاره و ارسال‌المثل است. ایرانشاه اغلب در توصیفات حماسی و غنایی خود از تشبیه بیشترین بهره را برده است و البته توصیفات غنایی او سرشار از این آرایه است تا حدی که گاه با تراحم و تراکم تصاویر تشبیهی روبرو میشویم. باوجوداین تشبیهات او اغلب از تازگی خاصی برخوردار نیستند و چندان نوآوری و خلاقیتی در آنها دیده نمیشود. به مواردی از آنها در ادامه اشاره میشود.

تشبیه

در این بیت در وصف کوش سه تشبیه آورده است (دو تشبیه مجمل و یک تشبیه تفضیل)

دو چشم آسمانگون و چهره چو خون به بالا و پیکر ز پیلی فزون
(همان: ص ۱۵۹)

در این بیت نیز تشبیهی مرسل و با حضور تمامی اجزا وجود دارد که همه چیز در آن تکراری و تقلیدی است:

سوار آمد و کوش را بازگفت
رخ کوش مانند گل برشکفت
(همان: ص ۴۷۲)

ایرانشاه در توصیف تیراندازی کوش چنین گفته و از سه تشبیه در قالب تشبیه مفروق بهره برده است. تشبیه پیکان به مرگ نوعی تازگی دارد و البته خیالی است.

همان تیر پولاد همچون تگرگ
که سوفار او زهر و پیکانش مرگ
(همان: ص ۵۵۲)

در بیت زیر سنان کوش از نظر بُرندگی و کارگری به آتشی تشبیه شده که نه تنها جسم بلکه روان و جان آدمی را میسوزاند:

سنان درخشان روان را بسوخت
چو آتش ز خون تیغها برفروخت
(همان: ص ۵۵۸)

در وصف فرزند آبتین تشبیه تفضیل زیر آمده است:

از ایرانیان کودکی نیکدل
که خورشید گشتی ز رویش خجل
(همان: ص ۲۴۵)

در وصف غلامان و کنیزکان تشبیه تکراری زیر آمده است (مفروق):

غلام و کنیزک ز هر یک هزار
به بالا چو سرو و به رخ چون بهار
(همان: ص ۲۴۵)

بسامد تشبیه مرکب در این منظومه زیاد نیست. به نمونهٔ زیر توجه کنید که در آن مرگ سواران و افتادن آنها از چهارپا در میدان نبرد چنین توصیف شده است:

چو برگ از درختان، سواران ز زین
همی ریختند اندر آن دشت کین
(همان: ص ۶۲۱)

«دشت کین» نیز میتواند اضافهٔ تشبیهی تلقی شود.

ابیات ذیل در توصیف فرارنگ، معشوق آبتین و دختر طیه‌ور شاه، آمده است. تشبیه حرفی، مفروق، مضمّر، و مجمل از انواع این تشبیهات هستند.

یکی جلوه‌گر دید حور از بهشت	ز خوبی نهاد و ز پاکی سرشت
به کشی چو طاووس و خوشی چو جان	دو مرجان ربایندهٔ مهر و جان
همه کاخ بالا همه تخت تن	چو سیبی زنخدان چو میمی دهن
ارم گشته روی سرای از رخس	ستمکش دل از غمزده فرخش ...
ز گیسو شده عنبرین دامنش	چو گنج کیومرث پیراهنش

(همان: ص ۳۵۱)

در این بیت نیز شاهد تشبیه مشروط هستیم:

بهاری ولیکن ز باران دژم
نگاری ولیکن رسیده ستم
(همان: ص ۱۵۲)

استعاره: استعاره مصرحه و مکنیه تقریباً بطور یکسان در این منظومه حضور دارند که مانند دیگر صنایع و فنون بلاغی این اثر، غنا و تازگی خاصی ندارند:

همه خواهران فرارنگ دست زنان بر گل و نرگس نیم‌مست
(همان: ص ۳۶۳)

دو دیده به لؤلؤ بیاگند پر کنارش شد از دیدگان پر ز در
(همان: ص ۲۶۷)

باریدن مرگ را هم میتوان استعاره مکنیه دانست و هم استعاره تبعیه. این استعاره در نوع خود غریب و زیبا است:
وزان پس بفرمود تا چون تگرگ ز پیکان بر ایشان ببارید مرگ
(همان: ص ۱۸۰)

«سیراب گشتن» و «روی» برای زمین استعاره مکنیه است:

هوا پر شد از جان گردان کین ز خون گشت سیراب روی زمین
(همان: ص ۲۰۷)

خروش زنان شبستان شاه جهان کرد گریان ز ماهی به ماه
به فندق گل سرخ کرده فگار ز شنگرف بر عاج کرده نگار
(همان: ص ۲۱۷)

شب آمد نهنگ دلاور نخفت ز مردم کشیدند به نزدیک جفت
(همان: ص ۲۱۵)

نهنگ استعاره از کوش پیل‌دندان است.

کنایه: عبارات کنایی فراوانی در توصیفات کوش‌نامه بکار رفته است که به برخی از آنها اشاره میشود:

به مستی مر او را شبی پیش خواند بر او خوچه‌ر آستین برفشاند
(همان: ص ۶۵۵)

برفت و به دستش همه باد ماند خراب آمد و گیتی آباد ماند
(همان: ص ۱۸۰)

باد گرفتن (بیت ۶۲۲۴)، به خاک برآوردن (بیت ۶۱۹۴)، خاکپوش گشتن (بیت ۲۴۵۷)، خون کردن (بیت ۹۵۴۱)، دست یکی کردن با دیگری (بیت ۳۲۳۹)، روی زعفران کردن (بیت ۷۷۵۹)، سر برون آوردن (بیت ۷۲۲۳)، کلاه کسی را به گردون رسانیدن (بیت ۷۴۴۰)، وقت درگرفتن (بیت ۴۲۰۵) در معنای زمان زادن فرارسیدن، گرد برآوردن (بیت ۲۶۳۳).

همانطور که مشاهده میشود، اغلب این کنایات جزو کنایات رایج در زبان و ادبیات فارسی است.

ارسال‌المثل: در موارد معدودی نیز در کوش‌نامه شاهد کاربرد ضرب‌المثل هستیم:

ز هر گونه گویدش گفتار گرم مگر گرددش دل به گفتار نرم
به گفتار شیرین ز سوراخ مار برون آورد مردم هوشیار
(همان: ص ۲۳۱)

تویی دیده شهریار بلند به انگشت کس دیده خود نکند
(همان: ص ۲۳۷)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، منظومهٔ حماسی کوش‌نامه از ایرانشاه‌بن ابی‌الخیر (قرن ششم) از نظر شگردهای توصیف مورد بررسی قرار گرفت. براساس یافته‌های تحقیق مهمترین توصیفات این منظومه در دو دستهٔ کلی توصیفات حماسی و غنایی جای میگیرد. ایرانشاه سعی کرده در تمامی توصیفات خود حتی آنجا که حضرت محمد (ص) را ستایش میکند، از عناصر و موتیفهای حماسی استفاده کند تا از رنگ‌وبوی حماسی اثرش کاسته نشود. در واقع میتوان گفت عنصر اصلی توصیفات کوش‌نامه، حماسی است. اشخاص، جانوران، اشیا، اماکن، طبیعت، و مفاهیم انتزاعی از مواردی هستند که در این منظومه مورد وصف قرار گرفته‌اند. بیشترین توصیفات مربوط به گروه نخست یعنی اشخاص و انسانها است؛ چراکه این منظومه حماسه‌ای انسانی است. همچنین توصیف طلوع و غروب خورشید پرتکرارترین توصیفات ایرانشاه در حوزهٔ طبیعت در این اثر است. بیشترین امکان زبانی که ایرانشاه در توصیفات از آن بهره گرفته است، نخست «جناس» و سپس «ترکیبات اضافی و وصفی» است. در زمینهٔ امکانات بیانی، تشبیه پربسامدترین آرایه در اثر اوست. تشبیهات، استعارات، کنایه‌ها و دیگر فنون بلاغی در کوش‌نامه معمولاً دارای تازگی و نوآوری نیستند. ظاهراً بیشترین همت ایرانشاه صرف روایت روشن و واضح داستان بوده است. این امر البته از صلابت و شکوه توصیفات و زبان این اثر نکاسته است و میتوان آن را دارای ویژگیهای لازم یک اثر حماسی موفق دانست.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رسالهٔ دورهٔ دکترای زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان استخراج شده‌است. آقای دکتر مجید حاجی‌زاده راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای محمد نورقاندزاده خمیری بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. سرکار خانم دکتر مریم غلامرضا بیگی به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده‌است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی دانشکدهٔ ادبیات و علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمان که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریهٔ داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیهٔ قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهدهٔ نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیهٔ موارد ذکرشده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Abi Al-Khair, Iranshah. (۱۹۹۸). *Kushnameh*, edited by Jalal Matini, Tehran: Elmi.
- Bashiri, Ali Asghar. (۲۰۱۹). "The relationship between the Kushenahem system and the Kushan kings in Africa in the millennium BC" *Heritage Mirror* ۱۷ (۶۵), pp. ۱۸۱-۲۰۲.

- Farshidvard, Khosrow. (۱۹۸۴). *on Literature and Literary Criticism*, Tehran: Amirkabir.
- Howard, Meyer. (۲۰۰۵). *Descriptive Dictionary of Literary Terms*, translated by Sa'eed Sabzian, Tehran: Homa.
- Mo'atman Zein-Al-Abedin. (۱۹۸۵). *Persian Poetry and Literature*, Second Edition, Tehran: Zarrin.
- Shafiee Kadkani, Mohammad Reza. (۲۰۱۲). *Images of Imagination in Persian Poetry*, Tehran: Agah.

فهرست منابع فارسی

- ابی‌الخیر، ایرانشاه (۱۳۷۷) *کوش‌نامه*، به تصحیح جلال متینی، تهران: علمی.
- بشیری، علی‌اصغر (۱۳۹۸) «ارتباط منظومه کوش‌نامه با پادشاهان کوش در هزاره قبل از میلاد در آفریقا» *آینه میراث* (۶۵)، ۱۷، صص ۱۸۱-۲۰۲.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۱) *صور خیال در شعر فارسی*، تهران: آگه.
- فرشیدورد، خسرو (۱۳۶۳) *درباره ادبیات و نقد ادبی*، تهران: امیرکبیر.
- مؤتمن، زین‌العابدین (۱۳۶۴) *شعر و ادب فارسی*، چاپ دوم، تهران: زرین.
- هوارد، می‌یر (۱۳۸۴) *فرهنگ توصیفی اصطلاحات ادبی*، ترجمه سعید سبزیان، تهران: هما.

معرفی نویسندگان

محمد نور قائدزاده خمیری: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

(Email: Mohammadnoor.ghaedzade.khamiri@gmail.com)

مجید حاجی‌زاده: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

(نویسنده مسئول: m.hajizade@iauk.ac.ir)

مریم غلامرضا بیگی: استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران.

(Email: beigi@iauk.ac.ir)

COPYRIGHTS

©۲۰۲۱ The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY ۴.۰), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Mohammad Noor Ghaedzadeh Khamiri: PhD Student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: Mohammadnoor.ghaedzade.khamiri@gmail.com)

Majid Hajizadeh: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: m.hajizade@iauk.ac.ir : Responsible author)

Maryam Gholamreza Beigi: Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran.

(Email: beigi@iauk.ac.ir)